رویش روان شناسی، سال ۸ شماره ۱، شماره پیاپی ۳٤، فروردین ماه ۱۳۹۸
Rooyesh-e-Ravanshenasi, *8*(1), 2019

نقش سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنویی فرزندان آنها

The role of parenting styles and religious orientation of their parents in anticipation of spiritual intelligence

Hosna Vafapour
Islamic Azad University, Kermanshah

Ali Molaei Pardeh
Razi University

Dr. Asieh Moradi
Associate Professor at Razi University

Parvaneh Karimi *
Coach of Razi University

حسنا وفاپور
مربی دانشگاه آزاداسلامی کرمانشاه
علی مولایی پارده
مربی دانشگاه رازی
دکتر آسیه مرادی
دانشیار دانشگاه رازی
پروانه کریمی نویسنده مسئول
مربی دانشگاه رازی

چکیده

پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگیهای لازم برای فرزندپروری با هم متفاوتند و ترکیبهای متفاوت شیوه‌های فرزندپروری پدرانه و مادرانه با سازگاری و سلامت ویژگی‌های شخصیتی فرزندان آنها ارتباط دارد. در واقع از عوامل محیطی قوی که رابطه با هوش معنوی فرزندان دارد و می‌تواند عملکرد خانواده، سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی را ذکر کرد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی نقش سبک های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنویی فرزندان آنها آن‌ها پرداخته است. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانش آموزان شهر کرمانشاه که در سال ۱۳۹۳ مشغول تحصیل بودند نمونه‌ای به حجم ۲۱۴نفربه شیوه‌ی نمونه گیری خوشه‌ی از میان آنها انتخاب گردید. برای گرداوری دادها از پرسشنامه سبک های فرزند پروری، جهت گیری مذهبی و مقیاس هوش معنویی استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنویی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد و بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و جهت گیری مذهبی با هوش معنویی رابطه‌ی مثبت و معنا داری به دست آمد. با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها نقش دارد.

واژه های کلیدی: هوش معنویی، سبک های فرزند پروری ، جهت گیری مذهبی

Abstract

And mothers on a range of criteria and a combination of different parenting styles parenting paternal and maternal personality traits and health of their children is associated with adaptation. In fact, the strong environmental factors that could be associated with spiritual intelligence, children, and family functioning, parenting styles and religious orientation cited. The present study examines the role of parenting styles and religious orientation of their parents expect them has spiritual intelligence. This research is descriptive and correlation. The sample included all students in Kermanshah in 1393 were studying a sample of 214 teachers cluster sampling were selected from among them. To collect data from questionnaires parenting styles, religious orientation and spiritual intelligence scale was used. The findings showed that between authoritarian parenting style with spiritual intelligence and there is a significant negative relationship And between authoritative parenting style and religious orientation, spiritual intelligence and a significant positive correlation was obtained. According to the results, it can be concluded that the parents' parenting styles and religious orientation in anticipation of spiritual intelligence contribute to their children.

Keywords: intelligence, spirituality, parenting styles, religious orientation

مقدمه

خانواده اولین و مهم ترین نظام ارتباطی برای کودکان به شمار می رود و همه اعضای خانواده در سلامت روانی مهم هستند، چون خانواده منبع اصلی مراقبت و حمایت است(ویدمر، کمپف، ساپین و کارمیناتی، ۲۰۱۳). دراین میان والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان برعهده دارند(گرولینگ، ۲۰۰۹). نقش و تاثیر خانواده بر شکل گیری

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

شخصیت به طور عمده در سه محور تاثیر سبک فرزند پروری، تاثیرسایر اعضای خانواده و تربیت تولد فرزندان مورد توجه واقع شده است(ویک نلسون، ۲۰۰۹). هر خانواده روش های ویژه ای را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد که به این روش ها سبک های فرزندپروری گفته می شود. سبک های فرزندپروری الگوهایی ازپرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می گیرد. سبک های فرزندپروری یکی از مولفه های اساسی در تحول و تربیت فرزندان است و اغلب در ارتباط با مهم ترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی های شناختی و اجتماعی آنها دارد و زمینه ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش ها، احساس ها و عادت های افراد است(دسجردین، زدنسکی و کاپلان، ۲۰۰۸).

سبک های فرزند پروری به عنوان گرایش ها و رفتارهای والدین نسبت به کودکانشان مفهوم سازی شده است که یک بافت و فضا را برای رفتار والدین در موقعیت های مختلف فراهم می آورم(هاو، دوباس، گرنیس، واندرلن و همکاران، ۲۰۱۱). براساس میزان گرمی و کنترل، سه نوع از سبک های فرزندپروری مطرح می شود: سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک فرزندپروری سهل انگار(هارو، اتن، دی وریس و انگلس، ۲۰۱۰). والدین خود رای و مستبد سعی می کنند رفتار کودکانشان را مطابق با مجموعه ای از معیارها شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. در این سبک تبعیت بی قید و شرط از قدرت مورد تاکید است و بدون هیچ گونه توضیحی دستورات باید پذیرفته شوند. در سبک فرزندپروری استبدادی والدین مطالبه گر هستند و پاسخگو نیستند. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، معیارهای حاکم بر خانواده روشن و صریح بوده، ارائه هر گونه استدلال و تبیین صرفاً جهت تاثیرگذاری بررفتار کودک است. این والدین قاطع هستند، اما نظرهای کودک را مورد توجه قرار می دهند. حقوق کودک پذیرفتنی است و والدین کودک بیشتر حمایتی اند تا تبیه کننده. در این سبک والدین هم مطالبه گر و هم پاسخگو هستند(کرامر، ۲۰۱۱). والدین سهل گیر فرزندان خود را تحت نظارت نداشته و از آن ها توقعی ندارند و در تنبیه یا پاداش دادن به رفتارهای فرزندان خود چندان جدی نیستند(امیر، اصغری نکاح و طیبی، ۱۳۹۱). در ارتباط با سبک های فرزندپروری، کودکانی که والدین مقتدر دارند خودکارآمدی، خودنظم بخشی و پختگی هیجانی بیشتری را نشان داده اند. در مقابل،کودکان با والدین مستبد و والدین سهل انگار چنین شرایطی را تجربه نکرده اند(توفام، تایت، ورتلج، پیچ و همکاران، ۲۰۱۱). از لحاظ نظری، انضباط خشن و سخت گیرانه حاکم بر خانواده، ضعف در روابط بین والدین، ضعف در نظارت، تناقض در قواعد انضباطی در میان عوامل خانوادگی مرتبط با بزهکاری و رفتار مجرمانه قرار دارد(هاو و همکاران، ۲۰۱۱).

بنابراین عملکرد خانواده یکی از شاخص های مهم تضمین کننده ی زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است رابطه منفی آنان به عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد کننده و نگهدارنده اختلالات روحی و هیجانی افراد مطرح می‌شود، تحقیقات نشان دادند در خانواده هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات داخل خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است همه ی اعضا نسبتا علیه فشار های زندگی مقاوم و مصون هستند، عملکرد خانواده با سلامت روانی اعضا ارتباط دارد و بین عملکرد ضعیف خانواده وابتلای فرزندان به علائم جسمی، اضطراب، اختلال خواب، افسردگی و اختلال در کار کرد اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد(قمری و همکاران،۱۳۹۰).

در حوزه روانشناسی، آلپورت نخستین محققی است که جهت گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است. مقصود اصلی آلپورت از جهت گیری مذهبی، ترکیبی از باورهای مذهبی، رفتارها و انگیزه بود(مک کرمیک، ۲۰۰۹). جهت گیری مذهبی میزان گرایش ها، باورها و آمادگی فرد برای رفتار دینی است و به رهاورد کلی شخص اطلاق می شود که از دین گرفته است(حیدرنژاد، ۱۳۸۹). جهت گیری مذهبی درونی با افزایش سلامت روانی و کاهش اختلالات روانی از جمله اضطراب و افسردگی ارتباط مثبت دارد(بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳). هوش معنوی به معنای درک مسائل عمیق وجودی و معنوی که بر نوعی آگاهی از ارتباط با خداوند، با دیگر انسان ها، با عالم هستی و با همه ی موجودات است که به فرد کمک می کند اطلاعات معنوی خود را با موقعیت های بیرونی ادغام کند و به سازگاری دست یابد(ویگان،۲۰۰۲). بنابراین هوش معنوی را توانایی تجربه شده ای می دانند که به افراد امکان دست یابی به دانش و فهم بیشتر را می دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می سازد(جان و پرویت، ۲۰۰۶). در واقع هوش معنوی با زندگی درونی ذهنی و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سوالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می شود(دیویی، راجیش، ۲۰۱۶). هوش معنوی، بالاترین سطوح رشد در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دست یابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می کند(یانگ و ماو، ۲۰۰۷). بنابراین با توجه به مطالب بیان شده هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و جهت گیری مذهبی با هوش معنوی بود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانش آموزان مقطع ابتدای شهر کرمانشاه که در سال تحصیلی ۱۳۹۳در دبستان های این شهر مشغول تحصیل بوده نمونه ای به حجم ۲۱۴نفربه شیوه‌ی نمونه گیری خوشه ای از میان آنها انتخاب گردید.

ابزار

در پژوهش حاضر از سه پرسشنامه سبک های فرزند پروری، جهت گیری مذهبی وهوش معنویی استفاده شده است که در زیر به معرفی هر یک می پردازیم.

پرسشنامه سبک های فرزند پروری: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند[1](۱۹۷۳)، از سه الگوی آزاد گرانه ، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوی نفوذ و شیوه های فرزند پروری، ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۰ سوال دارد ۱۰سوال آن به شیوه ی آزادگذاری مطلق ۱۰ سوال به شیوه ی آمرانه و ۱۰سوال دیگر به شیوه ی اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می شود. قبلا توسط دیگران مورد استفاده قرار گرفته است اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است(ساعت چی و همکاران،۱۳۹۰).

-**پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت**[2]: این پرسشنامه مذهبی یک پرسشنامه ۲۰ گزینه ای است که ۱۱ گزینه آن به جهت گیری مذهبی بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. سپس فگین[3] (۱۹۶۳)، یک نسخه ۲۱ گزینه ای ارائه نمود که تمام گزینه های آلپورت را باضافه یک گزینه دیگر در بر می گیرد. این گزینه همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با «مقیاس بیرونی آلپورت» داشت. از آن به بعد نسخه فگین بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعات فگین همبستگی بین جهت گیری درونی و بیرونی (۰/۲) بود که به همبستگی محاسبه شده آلپورت(۰/۲۱) بسیار نزدیک می باشد.برای سنجش «روایی» این آزمون در ایران پرسشنامه جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی فگین به فارسی ترجمه شده و صحت آن از طریق بازخوانی توسط متخصصین دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید. اعتبار پرسشنامه توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) در یک گروه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاههای استان تهران بر اساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳۷ مورد تایید قرار گرفت. در اجرای این آزمون محدودیت زمانی وجود ندارد (خداپناهی و خاکسار بلداجی،۱۳۸۴).

مقیاس خودگزارشی هوش معنوی: این پرسشنامه که توسطkingساخته شده است،دارای ۲۴آیتم می باشد.این پرسشنامه بر اساس مقیاس۵گزینه ای لیکرت پر می شود.نمرات بالا نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است.با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی(Exploratory Factor Analysis)در یک نمونه۶۱۹نفری از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال۲۰۰۷آلفای کرونباخ ٪۹۵و پایایی از طریق تنصیف۸۴٪به دست آمد.در یک مطالعه دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی(Confirmatory Factor Analysis)آلفای کرونباخ ۹۲٪و آلفای استاندارد شده نیز۹۲٪به دست آمد.

همچنین در مطالعه رجهب[4] و همکاران ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه۸۹٪،همچنین ضریب اعتبار پرسشنامه ی هوش معنوی از طریق بازآزمایی در یک نمونه ۷۰نفری به فاصله زمانی متوسط۲هفته۶۷٪محاسبه شد.

یافته ها

پس از از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss رابطه ی معنادار بین داده ها یافت شد که با توجه به جدول ها نتایج را تفسیر خواهیم کرد.

---

[1] . Bamrynd
- Allports Religion Orientation Questionnare[2]
- Feagin[3]
[4].Raghibi

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

جدول۱_ ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	شاخص های آماری	هوش معنوی
سبک فرزند پروری آسان گیر	همبستگی	-۰/۰۹
	سطح معناداری	۰/۱۸
سبک فرزند پروری مستبدانه	همبستگی	-۰/۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مقتدرانه	همبستگی	۰/۲۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
جهت گیری مذهبی	همبستگی	۰/۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

نتایج پژوهش نشان می دهد که بین سبک فرزند آسان گیر با هوش معنویی فرزندان رابطه ای وجود ندارد . همچنین بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنویی رابطه ی منفی و معناداری وجود (r=.0/27) که در سطح p<0/001 معنادار است. همچنین بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با هوش معنویی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد (r= 0/24) سطح p<0/001 معنادار است. بین جهت گیری مذهبی و هوش معنویی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد (r= 0/27) سطح p<0/001 معنادار است

جدول۲ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی هوش معنوی از طریق سبک های فرزندپروری و جهت گیری مذهبی

متغیرملاک	R	R2	F	متغیرپیش بین	B	β	T	Sig
هوش معنوی	۰/۴۴	۰/۱۹	۱۲/۵۲	جهت گیری مذهبی	۰/۶۰	۰/۲۸	۴/۲۳	۰/۰۰۱
				سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۱	۰/۱۴	۲/۱۷	۰/۰۳
				سبک فرزندپروری مستبدانه	-۰/۷۵	-۰/۳۰	-۴/۶۷	۰/۰۰۱
				سبک فرزند پروری آسان گیرانه	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴	۰/۹۷

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می دهدکه ضریب همبستگی چند گانه بین متغیرها0/44 است. همچنین مدل استفاده شده برای پیش بینی هوش معنویی براساس متغیرهای پیش بین(سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی) با ضریب تعیین ۰/19 توان پیش بینی متغیر ملاک(هوش معنویی) را دارند از بین متغیرهای پیش بین سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی) جهت گیری مذهبی با ضریب 0/28 می تواند هوش معنویی را پیش بینی کند .همچنین سبک فرزند پروری مقدرانه با ضریب تاثیر 0/14 وسبک فرزند پروری مستبدانه با ضریب تاثیر 0/30- می تواند هوش معنویی را پیش بینی کند. اما سبک فرزند پروری آسانگیرانه توان پیش بینی هوش معنویی را ندارد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به یافته های تحقیق می توان گفت که که بین سبک فرزند پروری آسان گیر با هوش معنویی فرزندان رابطه ای وجود ندارد، شاید بتوان گفت که چون والدین آسان گیر در تربیت فرزندانشان دخالت زیادی ندارند بین سبک آسانگیر و هوش معنوی رابطه ای یافت نشده است. همچنین بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنویی رابطه ی منفی و معناداری وجود که به نظر می رسد یکی از دلایل آن استبداد این والدین در تبعیت کامل از عقاید و باورهای خود والدین باشد و بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با هوش معنویی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد، به نظر می رسد سبک مقتدرانه به علت نقش مشاور داشتن و راهنما بودن والدین و هدایت فرزندانشان موجب می شوند فرزندان شان به سمت کسب هوش معنوی بروند یا هوش معنوی شان افزایش یابد و بین جهت گیری مذهبی و هوش معنویی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد.همان طوری که ملاحظه شد هوش معنویی مفهوم نسبتاً که در روان شناسی مطرح شده است . این مفهوم در واقع ناشی از یک نگاه نوین در روانشناسی یعنی توجه به معنویت است .امروزه توجه به دیدگاه ها و فلسفه شرقی مانند بودائیسم و فلسفه وجودی در روانشناسی غرب گسترش یافته است وحتی شیوه های نوین از روان درمانی براساس فلسفه مشرق زمین و معنویت مورد توجه قرار گرفته است . برای نمونه روان درمان یکپارچه معنویی (پارگامنت[1] ، ۲۰۰۷)

مطرح شدن این هوش معنویی تحت تاثیر این موج معنویی گرایی به عنوان یک ساز می تواند ظرفیت های جدید را در روانشناسی دین فراهم آورد . ایمونز [2] (۲۰۰۰) عنوان میکند که هوش معنویی می تواند که مطالعات پراکنده در خصوص دین و معنویت را یکپارچه سازد و تحقیقات جدیدی را در مورد پایه معنویی رفتار فراهم آورد. البته این مسئله که تحقیقات مربوط به روانشناسی دین هنوز به انسجام نرسیده است درست است . اما آیا هوش معنویی می تواند چهار چوب نظری مناسبی برای گرد آوری این تحقیقات وفعالیت ها فراهم کند ؟.

همان طور که دراین تحقیق مشخص شد بین سبک فرزند پروری والدین وجهت کیری مذهبی آنها رابطه وجود دارد و این با تحقیقات (هرویتز،[3]۲۰۰۰) و اسپیلکا [4]و همکاران (۲۰۰۳) هماهنگ است . آنها در توضیح میدهند که برخی فرقه های مذهبی باسبک تربیتی (سبک فرزند پروری)اعمال شده ازسوی والدین رابطه وجود دارد ؛ به عنوان مثال والدین فرقه خاصی مانند اتدوکس سبک تربیتی استبدادی را ترجیح می دهند ودر سبک تربیتی خود از تنبیه بدنی و زور گویی استفاده می کنند . این پژوهشگران معتقد هستند که برخی فرقه های خاص با اجبار کودکان به اطاعت ، آموزه های دینی را به آنها منتقل می کنند این نتایج در ایران توسط برجعلی (۱۳۷۸)و شهابی زاده تاید شده است. به عنوان نکته اخر باد تاکید کرد که ضمن اینکه باد در تعمیم نتایج پژوهش حاضر احتیاط لازم را به عمل آوریم ممکن است رابطه به دست امده مربوط به میزان تحصیلات والدین، پایگاه اجتماعی- فرهنگی انان ، فرهنگ حاکم بر جامعه وغیر... باشد بدیهی است که مطالعات فوق و پژوهش های آیند به این سوالات باسخ خواهند داد.

منابع

برجعلی، احمد،(۱۳۸۷). تاثیر سازگاری و الگوهای فرزند پروری والدین بر تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دبیرستانهای شهر تهران، پایان نامه دانشگاه علامه.

امیر، فاطمه؛ حسین آبادی، حسین؛ طیبی، زهرا و اصغری نکاح، سیدمحسن(۱۳۹۱). اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک بر سبک های فرزندپروری. مشاوره و رواندرمانی خانواده، ۱(۴)، ۴۸۹-۴۷۳.

قمری، محمد؛ خوشنام، امیر حسین؛ (۱۳۹۰). بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان، فصلنامه خانواده پژوهی سال هفتم شماره ۲۷، ص؛ ۳۴۶.

حیدرنژاد، احمد(۱۳۸۹). بررسی نقش دین و دین باوری در کاهش گرایش دانش آموزان شاهد و ایثارگر به انحرافات در مدارس متوسطه خراسان جنوبی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

---

1. Pargamnt
2 Aymvnz
3. Hrvytz
4 Aspylka

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

بهرامی احسان،هادی؛ تاشک،آناهیتا. ابعاد رابطه ی میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، شماره ۲،۱۳۸۳، ۶۳-۴۱.

ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز؛ عسگرایان، مهناز. (۱۳۹۰). آزمون های روان شناختی ص؛۲۰۵،۲۰۲و۲۴۳.

خداپناهی،محمدکریم؛ خاکساربلداجی،محمدعلی. رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان.مجله ی روانشناسی،شماره ۳،۱۳۸۴،۳۲۰-۳۱۰.

Cramer, P. (2011) "Young Adult Narcissism: A 20 Year Longitudinal Study of the Contribution of Parenting Styles, Preschool Precursors of Narcissism, and Denial". *Journal of Research in Personality*, No. 45 (1), p. 19˚28.

Desjerdins J, Zdenski JM, Coplan RJ. An Investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. Personality and Individual Differences, 2008; 44(3):587-597.

Devi RK, Rajesh NV, Devi MA. study of spiritualintelligence and adjustment among arts and sciencecollege students. J Relig Health. 2016:1-11.

Emmons, R.A.(2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. The international Journal for the psychology of Religion, 10(1), 3-26.

Grolnick WS. The Role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. Theory Res Soc Educ. 2009; 7(2):164-173.

Hoeve, M. Dubas, J.S. Gerris, J. R.M. Van DerLaan, Peter, H. & et al. (2011) "Maternal and Paternal Parenting Styles: Unique and Combined Link s to Adolescent and Early Adult Delinquency". *Journal of Adolescence*, No. 34 (5), p. 813˚827.

Huver, R. ME. Otten, Roy. deVris, Hien & Engles, Rutger CME. (2010) "Personality and Parenting Style in Parents of Adolescents".

Jain M, Purohit P. Spiritual intelligence: Acontemporary concern with regard to living status of thesenior citizens. J Indian Acad Appl Psychol.2006;32(3):227-33.

McCormick, J, 2009, Religious orientation and locus of control, Presented at the AustralianAssociation for Research in Education Annual Conference, 4-7 December, Sydney, p. 22-24.

Pargament, K. I. , & saunders,S. M. (2007). Introduction to the special issue on spirituality and psychotherapy. Journal of Clinical Psychology 63(10), 903- 907.

Topham, Glade L. Tait, Laura Hubbs. Rutledge, Julie M. Page, Melanie, C. & et al. (2011) "Parenting Styles, Parental Response to Child Emotion, and Family Emotional Responsiveness Are Related to Child Emotional Eating". *Appetite* No. 56 (2), p. 261˚264.

Vaughan F. What is spiritual intelligence? JHum Psyc 2002; 42(2): 16-33.

Wick-Nelson R, Israel AC. Abnormal child and adolescent psychology. NewJersy: Pearson Education; 2009.

Widmer ED, Kempf N, Sapin M, Galli-Carminati G. Family beyond parents? An Exploration of family configurations and psychological adjustment in young adults with intellectual disabilities. Res Dev Disabil, 2013; 34(1):207–217.

Yang KP,Mao XY. A study of nurses'spiritual intelligence: a cross-sectionalquestionnaire survey. Int J Nurs Stud 2007; 44(6):999–1010

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.1.12.8]